

تحلیل مفهومی شعر در صدر اسلام

* عباسعلی بهاری اردشیری

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

عصر صدر اسلام از زمان دعوت پیامبر خدا (ص) به اسلام، آغاز می شود و تا عصر اموی که زمان تثبیت تأثیرات اسلام بر ادب و فرهنگ است، ادامه می یابد. بعضی از مورخین از این عصر چشم پوشیده و آن را به عنوان یک دوره مستقل در تاریخ ادبیات بر نمی شمردند؛ ولی باید در نظر داشت که اسلام در حقیقت تغییری بنیادین در زندگی اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و ادبی اعراب ایجاد کرد و در همان اوایل آثاری از خود بر جای نهاد که به وضوح قابل لمس است. عرب خواه ناخواه پذیرای این تحول شد. طبیعی است که در زمان انتقال به دوره جدید، آمیزشی بین این دو عصر رخ دهد که این مقاله به بررسی تأثیر ابتدایی ولی بنیادین اسلام بر شعر و ادب پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، مخضرم، شعر.

Conceptual Analysis in Islamic Era's Poetry

Abbas Ali Bahari Ardeshiri, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

The Islamic Era begins with the Prophet's (Peace be on him) call to Islam and extends until the Umayyad Period when the influence of Islam had been rooted in the literature and culture. Some of the historians disregard this era as an independent one in the literary history, although it should be noticed that Islam has really created a fundamental change in the social, political, religious and literary life, leaving, in the meantime, its influence that could be easily felt. The Arabs whether willingly or not, accepted this change. It is natural that during the transmission to the new era an intercourse might have happened between these two eras. This essay will study, the initial but fundamental influence of Islam as to poetry and literature during the mentioned times

Keyword: Islam, Poetry, Mokhazram Period.

* دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران، استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

اسلام از جنبه‌های مختلف بر زندگی اعراب تأثیر گذاشت، زندگی دینی مردم را دچار تغییر اساسی کرد، بت‌پرستی و شرک را برانداخت و با عبادت آتش و ستاره و مانند آن، به مبارزه پرداخت.

با ظهور اسلام، زندگی اجتماعی اعراب که یک ساختار قبیله‌ای بود از بین رفت. دیگر شخصی به عنوان رئیس قبیله وجود نداشت و به جای دشمنی و اختلاف و سرسختی، همکاری و برادری حکمفرما شد. اسلام امتیازات قبیله‌ای را حذف کرد، مردم را در برابر خدا و قانون مسؤول شمرد و ملاک برتری را تقوا قرار داد. دین اسلام به این شکل به انسان آزادی و استقلال فکری و اجتماعی بخشید و او را خلیفه‌الله خواند و با طرح مسائلی چون زکات، صدقه، احسان، نماز و حج، وحدت جامعه اسلامی را تقویت کرد (خفاجی 1984: 34).

اسلام به اعراب استقلال سیاسی کامل داد، تمام قبایل تحت وحدتی سیاسی قرار گرفتند و همه رسول خدا را به عنوان حاکم و رئیس جامعه عربی قبول داشتند (همان: 35). اسلام با ادیان بی‌پایه و اساس و عقیده‌های واهی و پوچ جنگید، به کارگیری عقل و فکر اهمیت یافت و تقلید و پیروی از نیاکان مورد نکوهش واقع شد (عتیق 2001: 15). راهنمایی نادانان و اصلاحشان را از وظایف مردم خواند، گرایش‌های جاهلیت به سمت بت‌پرستی و پرستش هوای نفس را باطل شمرد (عتیق 2001: 16). علاوه بر آن در زمینه ادب و شعر که از افتخارات عرب به حساب می‌آمد نیز در اثر ظهور اسلام تحولاتی رخ داد که به شرح آن می‌پردازیم.

بسیاری پژوهشگران قدیم و جدید بر این باورند که شعر اسلامی در سطح ادبی پایین‌تری از شعر جاهلی قرار دارد؛ یعنی به‌طور کلی شعر عربی در زمان پیامبر و خلفای راشدین دچار ضعف و سستی گشت (معروف 1993: 265). ابن سلام جمعی می‌گوید: اسلام آمد و عرب‌ها از شعر روگرداندند و به جهاد و مبارزه با ایران و روم مشغول شدند و از شعر و روایت آن بازماندند (حاجری 1982: 47). جرجی زیدان هم این نکته را قبول داشته، می‌گوید: «علت ضعف شعر در دوره اسلامی جهاد و سفر مسلمانان برای نشر اسلام و روی آوردن آنها به خطبه به جای شعر بود» (زیدان 1957: 219).

تعدادی از پژوهشگران جدید نیز با پیروی از گذشتگان درصدد تأیید نظریات آنان برآمدند. مثلاً معروف نایف می‌گوید: شعر عربی در روزهای نخستین دعوت اسلامی مستقیماً به سوی تفکرات اعتقادی و دینی گرایش پیدا کرد و بنابراین مرتبه و ارزش آن کاهش یافت (معروف 1993: 166).

دکتر عبدالقادر قط می‌گوید: «اگر شعر در این مرحله (صدر اسلام) را با شعر جاهلی مقایسه کنیم، درمی‌یابیم میان این دو شعر از نظر سطح و اصالت شعری فاصله زیادی وجود دارد و قسمت اعظم شعر در صدر اسلام به ویژه شعر سیاسی از نظر تخیل و استحکام لغوی و ارتباط با طبیعت و برقراری پیوند میان طبیعت و عواطف انسانی، با شعر جاهلی تفاوت اساسی دارد و در زمینه‌های بسیاری از ابداع و نوآوری فاصله گرفته و به نظم محض نزدیکتر است.» (قط 1987: 12) وی این ضعف را در سازگاری شعراء با ارزش‌های روحی و اجتماعی جدید می‌بیند. شاعر جاهلی که بیشتر عمرش را در آن دوره سر برده و طبق ارزش‌های آن جامعه رشد یافته، نمی‌تواند کاملاً آن اسلوب‌ها را ترک گفته، شیوه جدیدی در پیش گیرد.

اما شوقی ضیف با این نظریات مخالف است و معتقد است که شعر در این دوره حرکت خویش را ادامه داده، ذره‌ای عقب‌نشینی نکرده است. با مراجعه به منابع شعری درمی‌یابیم که شعر در صدر اسلام نیز دارای شکوفایی بوده است. او نظریه ابن‌خلدون و پیروانش را در این مورد نادرست می‌داند.

وی رویگردانی اعراب را از شعر، تنها منحصر به یک دوره کوتاه می‌داند یعنی در زمان نزول وحی که مسلمانان مشغول به نشر اسلام بودند. همچنین این شبهه را که اسلام در سال‌های آغازین شعر را تحقیر کرد و بی‌ارج شمرد و نیز این شبهه را که مقابله قرآن با شعر در این دوره، شاعران را از سرودن شعر بازداشت یا آن‌ها را به سوی نثر سوق داد، رد می‌کند (ضیف 1963: 42-43).

مسلمانان با این که می‌دانستند مقصود قرآن از آیه «والشعراء يتبعهم الغاوون...» و حدیث پیامبر که اگر درون شما از چرک پر شود، بهتر است از این که از شعر پر گردد؛ عدم روایت و یا سرودن هر شعری نیست و تنها مقصود شاعران مشرک است، باز هم به خود اجازه ندادند مثل گذشته شعر بگویند (زیات، بی تا: 103).

یکی از عوامل ضعف شعر در دوره صدر اسلام، تفاوت موقعیت شاعران در اسلام و جاهلیت است. زیرا شاعران در روزگار جاهلیت به منزله پیامبرانی بودند که مردم در مقابل سخنان و اشعار آنان سکوت می‌کردند و مخالفان از آنان می‌ترسیدند؛ ولی با بعثت پیامبر و نزول قرآن و تحقق یافتن اسلام و دعوت دین جدید، نیاز عرب‌ها به شعر از میان رفت و شاعران مقام و منزلت خویش را از دست دادند و دیگر نیازی به آنان احساس نمی‌شد و بعد از آن که زمانی پیروانی داشتند، خود پیرو دین جدیدی گردیدند (معروف 1998: 268).

بیشتر شاعران جاهلی از جنگاوران و دلاوران بودند و شعرشان سرشار از فخر و حماسه بود که بیشتر به عصبیت قبیله‌ای برمی‌گشت؛ ولی زمانی که اسلام آمد و عصبیت کنار گذاشته شد و مسلمانان مشغول جنگ و جهاد شدند، اسالیب قرآن و توجه به امور اسلامی و نیاز اسلام به خطابه، آن‌ها را از اغراض و مضامین جاهلی و به‌طور کلی شعر دور ساخت (زیدان 1911: 196-195). همچنین در دوره جاهلی که شعر وابسته به میراث عمیق جاهلی و اصول ثابت و استوار آن بود، بعد از این که اسلام می‌آید و آن الگوهای جاهلی از بین می‌رود، طبیعی است که شعر رو به ضعف نهد (حاجری 1982: 50).

بسیاری از مورخین بر این باورند که عرب‌ها در روزهای آغازین ظهور اسلام، به علت پرداختن به امور دینی و قرآن و سنت از سرودن شعر و نثر بازماندند و در مقابل سبک قرآن و نظم مخصوص آن شگفت‌زده شدند و برای اندک زمانی از پرداختن به شعر و نثر دست کشیدند؛ و چون در قرآن سرودن شعر حرام نشده بود و پیامبر (ص) نیز به اشعار شاعران گوش فرامی‌دادند و آنان را به سرودن شعر تشویق می‌نمود، عرب‌ها پس از آن به عادت قبلی خویش بازگشتند.

شعر اسلامی با شعر جاهلی قابل مقایسه نیست، زیرا شاعر اسلامی به سبب تفاوت در معیارها و آرمان‌هایش، انسانی متفاوت با انسان جاهلی است و دیدگاه عرب مسلمان در مورد این فن کلامی، تا حدودی با دیدگاه دیگران فاصله دارد و حتی در برخی موارد به کلی دگرگون شده است.

شعر جاهلی صد و پنجاه سال را شامل می‌شد؛ درحالی‌که شعر دوره صدر اسلام تنها محدود به زمان پیامبر و خلفای راشدین می‌شد. در ضعف شعر تنها نباید به شعر مسلمانان توجه کرد، چرا که شعر مشرکان به قوت و حیات خود باقی بود و همچنان ادامه یافت، لیکن بسیاری از فحول شعرا در این عصر، عمرشان به پایان رسیده، یا پیر شده بودند و نمی‌توانستند مانند گذشته شعر بگویند، بنابراین نباید در مورد ضعف و کساد بازار شعر، چنین نظر داد (هداره 1995: 73).

حسان بن ثابت خود به این حقیقت اعتراف می‌کند و نیازی به ظهور آن نمی‌بیند. روزی به او گفته شد: «ای حسان شعرت در اسلام نرم شد.» او در جواب گفت: «ای برادرزاده، اسلام انسان را از دروغ‌گویی بازمی‌دارد و درحالی‌که دروغ زینت شعر است.» (معروف 1998: 268) در زمینه مشابهت میان دو نوع شعر (دوره جاهلی و دوره اسلامی) باید گفت این تشابه

در برخی موارد به علت تأثیر ارزش‌های جاهلی باقیمانده در اذهان برخی از شاعران مخضرم است که تازه اسلام آورده بودند و دست برداشتن از عقاید و ارزش‌های قبلی به‌ویژه در اموری که اسلام مردم را از آن باز نداشت، برایشان به سادگی امکان‌پذیر نبود.

تأثیر قرآن بر شعر صدر اسلام

قرآن کریم در شعر صدر اسلام تأثیری آشکار داشت که هر خواننده‌ای این تأثیر را در اصول و مفاهیم این شعر می‌یابد. برای هر پژوهشگر برشمردن کامل اقتباسات شاعران مسلمان از قرآن کار آسانی نیست، چرا که الفاظ بی‌شماری از قرآن کریم زینت‌بخش شعر دوره اسلامی است. معانی والای قرآنی، بسیاری از ابیات شعر را دربرگرفته است و معنویت الهی قرآن در مقدمات قصاید و قطعه‌ها پرتوافشانی می‌نماید. علی‌رغم کوتاهی زمانی که شاعران مسلمان با قرآن به سربردند، به سبب عشق و علاقه زیاد به قرآن، اشعار خود را با الفاظ و عبارات قرآنی می‌آراستند همچنین عشق وافر آنان در فراگیری مفاهیم و قوانین قرآن و ارزش‌های آن، موجب بروز این مقولات در رفتار و کردار آنان گردید.

ظهور این تأثیرات بر شعر تمامی شاعرانی که اسلام را از روی میل قلبی پذیرفته بودند، امری بدیهی بود، همان‌طور که قرآن بر شاعرانی که سال‌ها با پیامبر به سر برده بودند، تأثیر بیشتری داشت این حقیقتی است که با مطالعه اشعار آنان به آن پی می‌بریم. در بسیاری از قصاید حسان بن ثابت الفاظ و معانی قرآنی دیده می‌شود. مثلاً او پس از کشته شدن حارث بن سوید به دست پیامبر که یکی از مسلمانان را کشته و به مکه گریخته بود، چنین می‌گوید:

(البرقوی 1996: 276).

و فیکم محکم الایات والقیل
بما تکن سریرات الاقاویل¹

و قلم لن نری والله مبصرکم
محمد والعزیزالله یخبره
معنی بیت اول از آیه

معنی بیت اول از آیه «لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار» (انعام، 103) و معنی بیت دوم از آیه «و ربک یعلم ما تکن صدورهم و ما یعلنون» (قصص، 69) گرفته شده است. پروردگار جهان در توصیف منافقان که نیت خود را مخفی می‌دارند، این آیه را نازل کرد: «و اذا رایتهم تعجبک اجسامهم و ان یقولوا تسمع لقولهم کانهم خشب مسنده» (منافقون، 4).

1 - شما گفتید: دیده نمی‌شویم درحالی‌که خدا شما را می‌بیند و درمیان شما آیات محکم الهی و سخنان مهم وجود دارد. خداوند با عزت آن چه را که در دل‌ها پنهان است و سخنان ناگفته را به محمد (ص) خبر می‌دهد.

حسان این معنی قرآن را گرفت و گاهی نیز الفاظ قرآن را به کار می‌برد و در نکوهش فرزندان حارث بن کعب ابن مجاشعی چنین گفت: (البرقوی 1996: 31).

لا باس بالقوم من طول و من عظم
جسم البغال و احلام العصافیر
کانکم خشب مسنده جوف مکاسره
مثقب فیه ارواح الاعاصیر²
شاید آشکارترین اقتباس و تضمین در قصیده دالبیه وی در ستایش پیامبر باشد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان بی‌تی از آن یافت که در آن چیزی از الفاظ و مفاهیم قرآن نیامده باشد، این قصیده مطلع با زیر آغاز می‌شود (البرقوی 1996: 134):

اغر علیه للنبوه خاتم
من الله مشهود بلوح و يشهد³
آنگاه که حسان بر مشرکان قریش می‌تازد و در بسیاری از قصایدش ارزش‌های جاهلی و مفاهیم آن را بر آنان عیب می‌گیرد، عبدالله بن رواحه، بدون خروج از محدوده قرآن عقاید آنان را مردود می‌شمارد و معتقد است خداوند است که به واسطه آیات محکم‌ش مردم را از تاریکی‌های شرک به سوی روشنایی‌های اسلام هدایت می‌کند و وعده او نیز حق است (معروف 1998: 278).

شهدت بان وعدالله حق
و ان العرش فوق الماء طاف
و تحمله ملائکه کرام
و ان النار مثنوی الکافرینا
و فوق العرش رب العالمینا
ملائکه الاله مقربینا⁴
بیت اول به آیه «والذین کفروا یتمتعون و یاکلون کما تاکل الانعام و النار مثنوی لهم» (محمد، 12) و بیت دوم به آیه «و هو الذی خلق السماوات و الارض فی سته ایام و کان عرشه علی الماء لیبلوکم ایکم احسن عملا» (هود، 7) اشاره دارد.
این امر اختصاص به شاعران پیرو پیامبر ندارد. عمرو بن سالم خزاعی هنگام هم‌پیمانی قبیله بکروقریش بر ضد خزاعه، برای درخواست کمک نزد پیامبر (ص) آمد و این گونه الفاظ قرآن را در شعرش به کار گرفت (معروف 1998: 279).

2- بلندی قد و تنومندی قوم عبیبی ندارد. جسمشان چون استران است و خردهایشان چون خرد گنجشک. گویا چون چوب‌های توخالی سوراخ‌دار غیرمقاومی هستند که به دیوار تکیه داده شده و باد در آن می‌وزد و صدایی بلند می‌شود.
3- نیکو خصلی است که نشان نبوت از جانب خداوند بر اوست و بر نبوت او شهادت می‌دهد.
4- گواهی می‌دهم که وعده خدا راستین است و جهنم جایگاه کافران است. عرش بر روی آب شناور است و خداوند بر آن چیره است و فرشتگان بزرگواری که مقرب درگاه الهی هستند آن را حمل می‌کنند.

هم بیتونا بالوتیر هجدا
و قتلونا رکعا و سجدا⁵
که آن را از آیه قرآن برگرفته است: یسقون فیها کاساً مزاجها زنجیلاً عیناً فیها تسمی
سلسبیل (انسان، 17-18)

ویژگی‌های شعر شاعران صدر اسلام و اثر اسلام بر آن

شعر شاعران مکه در دوره مخضرم، بر روش و اسلوب جاهلی باقی ماند و تنها چارچوب اسلوب اسلامی را به خود گرفت و شیوه سرودن شعر را در دوره قبل از اسلام ادامه داد. از ویژگی‌های شعر این دوره، می‌توان ایجاز، قدرت بیان و استحکام الفاظ و تنوع موضوعات و اوصاف زیبا را یاد کرد، به طوری که خواننده نمی‌تواند به راحتی در این دوره شعر اهل بادیه و شعر مکی را از شعر جاهلی متمایز سازد (جبوری 1997: 348). تأثیر اسلام بر شعر عرب با توجه به ناحیه‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت بود. مثلاً شعر شاعران بادیه اصلاً متأثر از اسلام نبود و همان شیوه و اسلوب خود را در دوره جاهلی ادامه داد. شاعران مکه هم که بهره‌چندانی از شعر نداشتند، با ظهور اسلام و بعد از آن، مهاجرت مسلمانان به مدینه؛ در فن نقائض، شاعرانی پروراندند، شاعرانی که برای هجو مؤمنان نقیضه می‌سرودند. تنها شاعران مدینه بودند که در آغاز اسلام، معانی اسلامی در شعرشان وارد شد و تعبیر و اصطلاحات قرآن و اسلام در شعرشان نمایان گشت. ولی بعد از فتح مکه می‌بینیم که ساکنان مکه به اسلام روی آوردند و اعتذاریات و مدح‌هایی برای پیامبر اکرم (ص) سرودند و بدین ترتیب معانی و مضامین اسلامی در شعر شاعران مکه نفوذ کرد.

شعر شاعران مدینه متأثر از مفاهیم اسلامی است. خواننده با معانی و مفاهیم جدیدی مواجه می‌شود، شیوایی، رسایی و لطافت الفاظ و وضوح معانی در قصیده‌ها و قطعه‌های شعری مربوط موضوعات اسلامی دیده می‌شود (جبوری 1997: 348) ولی دکتر قط معتقد است که در بسیاری موارد شعر عربی سیاق جاهلی خود را حفظ کرده، بنای قصیده به همان شکل قبلی است و با ذکر اطلال آغاز می‌شود و تنها تأثیر اسلام در چند بیت است که به آسانی می‌توان از آنها چشم پوشید (قط 1987: 17-19).

اما به‌طور کلی روش و سبک شعر جاهلی به ویژه در مدح و هجا و فخر و رثا، در اسلوب این شاعران به چشم می‌خورد. مانند قصیده برده «بانت سعاد» که از قصاید مهم در مدح

5 - آنان شبانگاه به ما حمله‌ور شدند و در حالت رکوع و سجود ما را کشتند.

حضرت رسول (ص) و عذرخواهی که حساین ثابت برضد ابی سفیان بن حارث سروده نیز از این گونه اشعار است که با مطلع زیر آغاز می‌شود (البرقوقی 1996: 64):

هجوت محمدا فاجبت عنه
و عندالله فی ذاک جزاء⁶

این شعر با ذکر منازل محبوبه آغاز می‌شود و بعد به ذکر شراب می‌پردازد (ضیف 1963: 82) این نکته به این معناست که تغییر و تحول بزرگی در قصیده عربی و اسلامی رخ نداده است. این امر طبیعی است چرا که صدر اسلام، دوره انتقال از زندگی قدیم عرب‌ها به زندگی جدید اسلامیشان است. در این وهله، پدیده‌های جدیدی در فن شعر بروز نمی‌کند؛ مگر بعد از دوره‌ای که اذهان برخواسته‌های دوره جدید آگاهی یابد. پس عجیب نیست شعر این دوره متأثر از شعر جاهلی باشد و به رنگ جاهلی درآید، همچنان که روح زندگی قبیله‌ای هنوز هم در لابه‌لای زندگی اعراب دیده می‌شد (جبوری 1997: 348) هرچند لغات و اصطلاحات و معانی جدیدی به درون شعر نفوذ کرد و جای وصف شتر و اطلال و دمن را گرفت، ولی اسلوب همچنان جاهلی بود (قط 1987: 46).

ارتباط و شباهت شعر مسلمانان با شعر جاهلی به این سبب است که بیشتر شاعران بزرگ و برجسته در دوره جاهلی، به رشد عقلی و کمال شعری دست یافتند، مثلاً لبید، کعب بن مالک، کعب بن زهیر، نابغه جعدی و حطیئه و ... قسمت اعظم عمرشان را در دوره جاهلی گذرانده بودند.

با این همه، شعر این دوره نمی‌توانست ارزش‌ها و اصول دینی را آن طور که باید بیان کند، چرا که شاعران قادر نبودند به راحتی از سیاق و شیوه‌ای که در دوره جاهلی شعر می‌سرودند، دست بکشند و راهی نو در پیش گیرند. علاوه بر آن، اصول و ارزش‌های اسلام را عمیقاً درک نکرده بودند تا در رفتار و دیدگاه‌هایشان نسبت به مردم، زندگی و شعر و ... تحولات اساسی ایجاد کرده باشد. به همین دلیل، تأثیر دین اسلام در شعرشان تنها در به‌کارگیری الفاظ و تعبیرات دینی و آیات قرآنی، یا بیان وقایع و رویدادهای اسلامی و برخی از تعالیم اسلامی، منحصر شده بود. مثلاً مدح‌های کعب بن زهیر برای پیامبر و مهاجرین نرم و لطیف است و از عبارتها و الفاظ جدید اسلامی در آن استفاده شده است و بیشتر حول شجاعت و صبر در میدان جنگ می‌چرخد (قط 1987: 20-21). نوآوری و خلق معانی برگرفته

6 - محمد (ص) را هجو گفتیم و من پاسخ آن هجو را دادم و به خاطر آن نزد خداوند جزا و پاداشی خواهم داشت. نقاد گفته‌اند نیمی از این قصیده در جاهلیت و نیمی در دوره اسلامی سروده شده است که در نیمه دوم آن معانی جاهلی و اسلامی درآمیخته است.

از اسلام و تعالیم آن، در شعر شاعران صدر اسلام جایی ندارد، درحالی که امید می‌رفت شاعری اسلوب و روش قرآن را در بیان حقایق، وعده و وعید و آوردن امثال و حکم و قصه‌ها و ... به کار بندند، ولی این طور نبود. حتی معانی و مفاهیم دینی در شعرهایی که در مورد وقایع مربوط به دین اسلام و جنگ‌هایی که اتفاق افتاده بود، سروده می‌شد، تنها محدود به یک یا چند بیت در اول یا وسط قصیده می‌شد؛ و تنها چند قصیده مفاهیم و معانی دینی را به کار می‌گرفت و به آن اختصاص می‌یافت. مثلاً در قصاید اسلامی حسان می‌بینیم که تنها کوشش شاعر به بیان اموری چون هدایت و گمراهی و قرآن و پیامبر معطوف می‌شود و بعد از آن فوراً به فخر و عصیبت جاهلی و مانند آن انتقال می‌یابد (جبوری 1997: 349). شاید اگر پیامبر شاعران را به بیان امور مربوط به دین و نشر و استحکام آن دعوت نمی‌کرد، همچنان در روش جاهلی خود باقی می‌ماندند. پیامبر برای رد هجویه‌های مشرکان مکه، شاعران را به سرودن شعر، در رد اشعار مشرکان تشویق می‌کردند، حسان بن ثابت و عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک از جمله این شاعرانند (ضیف 1963: 47).

با این همه، باید در نظر داشت که در شعر مشرکان اثری از دین و اصطلاحات دینی دیده نمی‌شود. مشرکان سعی نمی‌کردند با خوار کردن دین اسلام و حمله به معتقدات مسلمانان با آنان به مبارزه بپردازند. بلکه آنان به بی‌قدر شمردن ارزش‌های اسلامی و حمله به اصل و نسب مسلمانان و بیان شکست‌هایشان بسنده می‌کردند (سلوم 1985: 50)

مسلمانان جنگ را به عنوان وسیله‌ای برای نشر دین اسلام و جهاد در راه خدا و سرنوینی کفر و گمراهی می‌دیدند، درحالی که مشرکان آن را نزاع برای دستیابی به ریاست و فرمانروایی و وسیله‌ای برای سلطه بر قبایل و تلاش برای حفظ موروثات و عقاید جاهلیشان می‌دانستند. پس طبیعی است که نقائص اسلامی رنگ دینی؛ و نقائص قریش رنگ جاهلی به خود بگیرد. در نقائص کعب در جواب به نقائص ضرار بن خطاب، این تفاوت فاحش است (جبوری 1997: 352).

ضرار قدرت و عظمت قومش و خوار شمردن اوس و بنی النجار در جنگ بدر و تهدید آنها به گرفتن انتقام را بیان می‌کند، ولی کعب از فخر جاهلی روی می‌گرداند و به بیان اعتقادش به قضا و قدر الهی روی می‌آورد و دشمنان را متجاوز و مسلمانان را شجاع و صبور و مجاهد می‌خواند.

شاید بتوان این مطلب را دریافت که امور مربوط به دین نه در شعر شاعران مشرک جایی دارد و نه در شعر شاعران مسلمان کمتر به ذکر اسامی بت‌ها و خدایان خود می‌پرداختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر صدر اسلام، به تصویر کشیدن آن روزگار و ثبت وقایع آن است. آنگاه که جنگ شدیدی بین مسلمانان و مشرکان درمی‌گرفت، شعر از جمله اسلحه‌های آن جنگ به شمار می‌رفت.

پیامبر به شاعران امر فرموده بودند که پندارها و تحقیرهای دشمنان را تکذیب کرده، به خودشان برگردانند و با آنان وارد جنگ کلامی شوند؛ چرا که قریش بسیار به هجو مسلمانان حریص بود و با توصیف آنان به ضعف و کمی تعداد و اندیشه‌های نادرست و مانند این‌ها درصدد ایجاد تفرقه میان آنان بود. به همین سبب، در جنگ‌ها و نزاع‌های زمان بعثت پیامبر (ص) بود که نقائص به وجود آمد (هداره 1995: 95) عمر نقائص محدود به همان دوره بود. ده سال آغازین هجرت، زمان جنگ‌های خونین و سخت بود و شاعران با قصائدشان یکدیگر را تضعیف و تحقیر می‌کردند. زمانی که مکه فتح شد و قریش اسلام آورد و عرب امت واحد شد، خلفا در برابر هجا موضع گرفتند و با آن غرض شعری به مخالفت پرداختند. تا این که کم‌کم نقائص از دایره موضوعات و اغراض شعری کنار رفت.

نقائص اسلامی در دوران پیامبر، تنها منحصر به مدتی کوتاه یعنی در زمان جنگ‌های اسلامی بود و دارای اسلوبی ضعیف و سست و پریشان بود که فی‌البداهه و ارتجالی سرودن آن‌ها با توجه به اوضاع آن زمان که هنوز شاعران دقیقاً محیط اسلامی را درک نکرده بودند، باعث ضعف و عدم استحکام آن می‌شد، ولی با این همه نسبت به نقائص دوره اموی مؤدبانه‌تر و عقیف‌تر بود.

موضوعات و مضامین شعر صدر اسلام

در این دوره، بعضی موضوعات شعری جدید مورد توجه شاعران قرار گرفت و بعضی موضوعات و اغراض شعری دوران جاهلی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی واقع گردید.

شعر این عصر متأثر از حوادث بزرگ مثل جنگ بدر و ... بود که از آن زمان در جنگ‌ها همچون سلاحی از سلاح‌های جنگی محسوب می‌شد. در این جنگ‌ها بود که فخر و حماسه و هجا و مدح در شعر جولانگاه شاعران شد.

فخر: مسلمانان به نیرو و ایمان و جهادشان در راه خدا و متمسک شدنشان به دین حنیف افتخار می‌کردند. پیامبر برای رد فخر مشرکان نسبت به مسلمانان و هجوهای که نسبت به

اسلام و مسلمین سروده می‌شد، شاعران را به سرودن شعر در همین غرض‌های شعری، دعوت می‌کردند و (هداره 1995: 95 و کیلانی 1985: 70) همچنان که در عصر جاهلی نیز شاعران به خود و قومشان و اجدادشان افتخار می‌کردند. مثلاً حسان بن ثابت به آل نجار که از انصار بودند افتخار می‌کرد و عباس بن مرداس به بنی سلیم. فخر در صدر اسلام در حقیقت ادامه فخر جاهلی بود، مگر آن‌جا که بعضی معانی مختصر اسلامی به شعر نفوذ می‌کند (قط 1987: 46). اما در عصر اسلامی مشرکان به قدرت و تعداد زیادشان، شجاعت و دلاوری‌شان افتخار می‌کردند و با جبهه گرفتن در برابر دین و عقیده مسلمانان، به جنگ لفظی با آنان و فخرفروشی نسبت به آنان نمی‌پرداختند.

توصیف جنگ‌ها و وصف دلاوری‌ها، از ویژگی‌های بارز این شعر است که در آن شمشیرها، اسب‌ها، زره‌ها و نیزه‌ها به وصف کشیده می‌شد، نام اماکن مختلف و اشخاصی که در آن جنگ شرکت داشتند ذکر می‌شد، تا جایی که می‌توان به شعر به عنوان یک متن تاریخی مورد اطمینان نگاه کرد.

رثاء: در خلال جنگ‌ها از هر دو طرف کشتگان و زخمی‌هایی برجای می‌ماند که بازماندگان آن‌ها به نوحه‌سرایي و گریه‌وزاری برای آن‌ها می‌پرداختند. به همین دلیل، رثاء از عمده اغراض اصلی در عصر گشت. مخصوصاً بعد از جنگ بدر و احد و جز این‌ها، رثاء همچنان تا بعد از فتح مکه در بین اشعار به چشم می‌خورد. وفات پیامبر (ص) انگیزه‌ای برای سرودن مرثیه بود. در زمان ابوبکر نیز عده زیادی از اصحاب رسول خدا (ص) در معرکه یمامه جان خود را از دست دادند و بعد از آن، مرگ عمر و فتنه قتل عثمان و همچنین درگیری خونین بین علی و پیروانش با یاران عثمان و واقعه جمل و صفین و نهروان و جز این‌ها، همه از وقایعی بودند که انگیزه‌ای برای سرودن مرثیه به شمار می‌آمدند (جیوری 1997: 355). در کنار رثاء، قصاید عاطفی در این عصر پا به عرصه شعر می‌گذارد، قصایدی که شاید نشانه‌های ظهور شعر عذری در عصر اموی بود. معانی‌ای چون دوری و جدایی و از دست دادن محبوب، در شعر نمایان می‌شد که شاید بتوان آن را نوعی پیشرفت هنری و زبانی در این عصر دانست (قط 1987: 58).

فن جدید دیگری که روی کار آمد، فن بدیعیات⁷ بود که مشهورترین آن‌ها قصیده کعب بن زهیر است (فروخ 1985: 50). مدح رسول شباهتی با مدح جاهلی ندارد، بلکه از عاطفه

7 - مدح پیامبر (ص) و ائمه اطهار را بدیعیات می‌خوانند.

دینی نسبت به رسول خدا (ص) برخوردار است؛ مانند مدح‌های حسان بن ثابت و کعب بن مالک (آذرشب 1375: 117).

شعر سیاسی و شعر فتوح که دربردارنده شرح جنگ‌ها و فتوحات و دعوت به شرکت در میدان جنگ و جهاد بود و همچنین ماجرای وفات پیامبر (ص) و مسأله خلافت حضرت علی (ع) از جمله اموری بود که در شعر اعراب به چشم می‌خورد (آذرشب 1375: 118-114).

موضوعاتی چون غزل و عشق‌ورزی نسبت به زنان در شعر اسلامی جایگاهی نداشت، مگر در بعضی قصاید که روش جاهلی را در سرودن قصیده در پیش گرفته بودند؛ مثلاً قصیده کعب بن زهیر «بان‌ت سعادت» که برای عذرخواهی از پیامبر (ص) سرود. با این حال، داود سلوم معتقد است که سختگیری اسلام محدود به هجا و رد اشعار سیاسی بود و نسبت به غزل و نسیب موضع‌گیری نمی‌کرد (سلوم 1985: 51). در آن زمان، غزل الهی و اشعار مملو از معانی اخلاقی ناشی از تربیت اسلامی در جامعه گسترش یافت (کیلانی 1985: 71).

غزل، خمربه و توصیف خمر نیز از اغراضی بود که کنار گذاشته شد؛ زیرا اسلام نوشیدن شراب را حرام کرده بود. سخن از شراب و توصیف آن و قماربازی و طردیه سرایی در شعر، عبت و بیهوده شمردن شد و جایگاه ویژه خود را از دست داد (فروخ 1969: 256).

مدح در این عصر کم شد، چرا که رسول خدا (ص) خواهان ستایش و تعریف و تمجید نبودند؛ بلکه اجر و ثواب اخروی را طالب بودند. شاعران مسلمان روشی را در مدح رسول خدا (ص) در پیش گرفتند که آمیزه‌ای از صفات دینی با صفاتی چون شجاعت و دلیری و قدرت و مانند آن بود. این نکته به این معناست که معانی جاهلی رنگ و لعاب معانی اسلامی به خود گرفت و به مرور زمان معانی جاهلی از شعر کنار رفت و تنها معانی جدید اسلامی جایگزین آن گردید (جبوری 1997: 357). تعداد زیادی از شاعران به مدح و منقبت پیامبر و دین اسلام می‌پرداختند که با مطالعه دیوان‌های شاعران صدر اسلام، این خصیصه بارز است. حسان بن ثابت و کعب بن مالک تنها پیروزی در جنگ‌ها و شکست دشمنان و بیان خطاهای آنان را برعهده داشتند؛ ولی عبدالله بن رواحه کفرشان را مطرح می‌کند که تأثیر منفی زیادی بر آنان داشت (سلوم 1985: 50).

رویگردانی مسلمانان از مدح و ستایش دروغین و مبالغه در تحسین و تمجید از یک طرف و قضیه بیت‌المال و عدم اعطای صلّه و پاداش از طرف دیگر، باعث شد کسی با شعر تکسب نکند و مدح رو به کساد و فراموشی رود.

حسان بن ثابت

ابوولید حسان بن ثابت بن منذر انصاری خزرجی نجاری، یکی از مشهورترین شاعران پیرو رسول خدا (ص) بود. وی در مدینه به دنیا آمد و در آنجا رشد یافت و همانند دیگر شاعران جاهلی در خدمت قبیله‌اش بود و دفاع از قوم خود را وظیفه خود می‌شمرد. در این ایام شعرش جنبه قبیله‌ای داشت و جو حاکم بر آن تفاخر بود. آنچه حسان را به این مبارزه فرا می‌خواند، خصومتی بود که میان قبیله او و قبیله اوس وجود داشت و حسان در برابر شاعران دشمن مانند قیس بن خطیم⁸ ایستادگی می‌کرد و مفاخر قوم خود را آشکار می‌ساخت که این اشعار او سرشار از ذکر شجاعت و کرم و شرف حسب و نسب قومش بود. حسان به دربار غسانی و دربار ملوک حیره انتساب داشت و تنی چند از این امرا را مدح گفته بود. این مدایح به سبک و سیاق جاهلی است که با وقوف بر اطلال و ذکر ممدوح و ستایش او سروده می‌شد (فاخوری 1368: 179). وی پیش از این که اسلام بیاورد، سخت به باده‌گساری و غنا دل بسته بود. توصیف‌های او از شراب و غزل‌هایش بسیار مشهور است.

حسان با صله‌ها و جوایزی که از پادشاهان دریافت می‌کرد، در رفاه و آسایش به سر می‌برد و بدین ترتیب زندگی‌اش را در جاهلیت سپری کرد.

حسان شصت سال از عمر خود را در جاهلیت به سر برد و نیم دیگر عمرش را در دوره اسلامی گذراند. شعر حسان در این دوره رنگ سیاسی به خود گرفت؛ دشمنان اسلام را هجو و مؤمنان را می‌ستود. مدایح حسان در این دوره، منحصر به مدایح پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و کسانی بود که در راه دین به مصائبی گرفتار آمده بودند. این اشعار را به انگیزه تکسب نمی‌سرود بلکه از روی عاطفه واقعی و عقیده قلبی بی‌هیچ چشم‌داشت مادی و دنیوی می‌سرود. شعر حسان در این دوره استوار، محکم و زیبا و عمیق بود و جایگاهی چون دیگر شاعران جاهلی داشت. اغراض شعر وی عبارت بود از هجا، مدح و غزل و نسیب و فخر. اولین هجو وی در نقیضه‌سرایی با قیس بن خطیم بوده، سپس دشمنان خود و به‌طور کلی دشمنان قبیله‌اش را هجو کرده است. در مدح‌هایش بنی‌غسان و نعمان بن منذر و دیگران را مدح کرده است و در جاهلیت به شعراء و عمره و دیگران به گونه‌ای روان و لطیف تغزل کرده است.

در دوره اسلامی، شعر حسان نمایانگر دین جدید و تأثیر قرآن است این امر در معانی تازه موجود در شعرش و تفصیل بعضی عقائد و شعائر دینی چون توحید و تنزیه و ثواب و عقاب پدیدار

8- از شاعران قبیله اوس بود که هجو به‌هایی علیه قبیله خزرج می‌سرود.

است. همچنین واژه‌های تازه‌ای که با آمدن اسلام به زبان عرب وارد شده بود، در سراسر اشعار اسلامی حسان پراکنده است. شعر حسان یکی از مصادر تاریخ آن ایام است، اعمال پادشاهان غسانی چون جنگها و کشورداری‌هایش را دربردارد، همچنین از منابع حوادث صدر اسلام به شمار می‌آید و در مورد غزوه‌های پیامبر اسلام از جمله فتح مکه اطلاعاتی به خواننده می‌دهد، شعر او سرآغاز شعر سیاسی است که در عهد اموی به اوج شکوفایی خود می‌رسد. ناقدان می‌گویند که شعرش سست و اندکی ضعیف شده است، شاید بهتر باشد بگوییم که شعرش نرم و لطیف شده است. می‌توان علت این امر را در چند مورد خلاصه کرد: یعنی در آنچه مربوط به عقاید اسلامی می‌شود، دلیل ضعف شعری او شگفت‌زدگی در مقابل اسلوب قرآن کریم و احادیثی است که رسول خدا بیان کرده‌اند. ممکن است نیرومندیش تنها در هجا بوده و بعد از قبول اسلام و کنار گذاشتن هرگونه هجای کوبنده و پرداختن به مدح و منقبت پیامبر، شعرش این طور به نظر رسد؛ یا اینکه بسیاری از شعرهای دوران اسلامی خود را در هنگام بروز وقایع مربوط یا جنگ‌ها، فی‌البداهه می‌سرود و همین بی‌اندیشه‌ی قبلی سرودن آن‌ها باعث می‌شد که به‌گونه‌ای ضعیف، یا نقص‌هایی در وزن و قافیه و معنا داشته باشد؛ ولی باید توجه داشت که هیچ یک از این دلایل نمی‌تواند دلیل اصلی و قاطع باشد.

کعب بن زهیر

کعب فرزند زهیر بن ابی سلمی، از شاعران بزرگ جاهلی است. از قبیله نزینه است، اما از آن‌جا که با فرزندان در بین قبیله بنی مره ذبیانی زندگی می‌کرد، ذبیانی خوانده می‌شد. کعب شعر را از پدر آموخت و در دوره جاهلیت نیکو شعر می‌گفت (ضیف 1963: 836).

زمانی که بجیر، برادر کعب اسلام آورد، کعب او را در قصیده‌ای هجو کرد. قصیده‌ای که در آن پیامبر را نیز در معرض پیکانهای کلامش قرار داده بود این قصیده با مطلع زیر آغاز می‌شود (فاعور 1997: 5):

الا ابلغا عنی بجیرا رساله فهل لك فیما قلت — و یحك — هل لك⁹

کعب تا زمان فتح مکه بت‌پرست بود و زمانی که پیامبر (ص) به طائف رفتند، بجیر در نامه‌ای به او خبر داد که پیامبر هر شاعر مشرکی را که علیه‌السلام شعر بگوید، خواهد کشت، مگر این که مسلمان شود و با اظهار توبه و پشیمانی نزد رسول خدا (ص) رود. سینه کعب با

9- هان پیغام مرا به بجیر برسانید، وای بر تو آیا آنچه گفتی واقعاً سخن توست.

این سخن نرم شد و به نزد رسول خدا (ص) رفت، درحالی که بر چهره نقابی زده بود و گفت: ای رسول خدا! مردی می‌خواهد با تو بیعت کند. رسول خدا (ص) نیز پذیرفتند و دست بیعت دادند و بعد از آن نقاب را از چهره کنار زد و گفت من کعب بن زهیر هستم و قصیده معروف خود را برای عذرخواهی خواند (فاعور 1997: 60)، با این مطلع:

بانت سعاد فقلبی الیم متبول
متیم اثرها یفد لم مکبول¹⁰

و پیامبر جامه خود را به عنوان صله به او دادند و معاویه با بیست هزار درهم آن را از فرزندان پیامبر (ص) خریداری کرد و بعد از معاویه خلفا در اعیاد آن را می‌پوشیدند. به همین سبب است که این قصیده به قصیده برده مشهور است. قصیده‌ای که سبک و سیاق جاهلی دارد، با تغزل شروع می‌شود، یاد و ذکر سعاد و دوری او و بعد به ذکر ناقه خود و بعد از آن به مدح پیامبر می‌پردازد. در قسمت‌هایی از این قصیده متأثر از پدرش است، آن‌جا که می‌گوید:

و فارقتک برهن لا فکاک له
یوم‌الوداع فامسی الرهن قد قلقا¹¹

وی در توصیف سعاد و تشبیه او به آهو و خلف و وعدهٔ محبوبه‌اش، از پدرش متأثر است. در توصیف شتر از آنچه پدرش در این باره سروده، الهام می‌گیرد.

در شعر کعب پند و نصیحت و حکمت نیز مشاهده می‌شود و در بسیاری از اشعارش پس از اسلام آوردن، رزاقیت خداوند به بندگانش و بی‌روزی رها نکردن آنان دم می‌زند (فاعور 1997: 56).

اعلم انی متی ما یاتنی قدری
فلیس یحسبه شح و لا شفق¹²

شعرهای وی در عصر جاهلی پر از فخر و تهدید و انذار است و شرارت و پلیدی در دیوانش موج می‌زند؛ اما بعد از پذیرش اسلام، جانش را پاک و طاهر ساخته، معانی جدید اسلام را حس کرده و در اشعارش به آن‌ها ظهور داده است.

صناعت در شعر کعب آشکار است، او تنها به استفاده از شیوه متقدمان در این طریق بسنده نمی‌کند، گاه به جهت استقرار معنی در ذهن خواننده به اطناب روی می‌آورد، یا به انتخاب الفاظ پرتنین و به تکرارهای لفظی می‌پردازد و همهٔ این‌ها را با سخنانی حکمت‌آمیز

10- سعاد از من دور شد و قلب من اسیر و سرگشته اوست و همواره بیمار و گرفتار او.

11- از تو دور شد، درحالی که قلب تو نزد او گرفتار است و هیچ راه نجاتی نیست در روز جدایی، چیزی که در گرو باشد، خلاصی نمی‌یابد.

12- من می‌دانم که هر زمان که مرگم فرا رسد، ترس و اضطرابی نمی‌تواند مانع آن شود.

که به نیروی کلامش می‌افزاید، آرایش می‌دهد و در اسلوب او خشونت بدویت اندک است و در بلاغت به صنایع گرایش دارد.

دیوان کعب چندان دلپسند نیست و اگر قصیده بانس سعاد را از آن برداریم، چیزی جز قطعات کوتاهی در موضوعات عادی چون مدح و غزل و هجو و رثاء و امثال آنها باقی نمی‌ماند. این قصیده در زمرة «المشوبات»¹³ است. جمعی از شعرا به انواع مختلف آن را تضمین کرده‌اند و گروهی از علما به شرح و تفسیر آن پرداخته‌اند (فاخوری 1368: 172).

نتیجه‌گیری

شعر تحت تاثیر عنصر زمان و مکان تغییر ماهیت داده و واژه‌ها بعد از مدتی متروک می‌مانند جای آنها را دسته‌ای از لغات و مفاهیم مربوط به آن عصر می‌گیرند؛ به طوری که با مطالعه دیوان‌ها و کتاب‌ها، شاهد این تغییر هستیم. تغییر موضوعات و مضامین شعری و حتی خشونت، یا نرمی و لطافت لغات و عبارات نیز تحت تأثیر همین امر است. اسلام نیز به منزله یک عامل مثبت، تأثیر آشکاری بر شعر نهاد که از همان ابتدا مشهود و ملموس بود.

منابع

قرآن کریم

- آذرشب، محمدعلی. 1375ه. *الادب العربی و تاریخه حتی نهاییه العصر الاسلامی*، تهران: سمت.
- البرقوقی، عبدالرحمن. 1996م. *شرح دیوان حسابن ثابت الانصاری*. بیروت لبنان: دارالاندلس.
- الجبوری، یحیی. 1417ه/1997م. *شعراء المخضرمین و اثر الاسلام فیه*، بیروت: موسسه الرساله.
- الحاجری، محمد طه. 1982م. *فی تاریخ القند و المذاهب الادبیه*، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- الخفاجی، محمد عبدالمنعم. 1984م. *الحیاه الادبیه فی عصر الاسلام*، بیروت (لبنان): دارالمکتب البنانی، چاپ سوم.

زیات، احمد حسن. بی تا. *تاریخ الادب العربی*، مصر: مکتبه نهضة.

13- قصایدی که با کفر آمیخته است و صاحبان آن عبارتند از: نابغه جعدی، کعب بن زهیر، حطیعه، شماخ بن ضرار، تمیم بن مقبل و عمرو بن احمر.

- زیدان، جرجی. 1957م. تاریخ الادب اللغه العربیه. مصر: دارالهلال.
- سلوم، داود. 1985م. الشاعر الاسلامی تحت سلطه الخلافه. بیروت: مکتبه العربیه، چاپ سوم.
- ضیف، شوقی. 1963م. تاریخ الادب العربی، العصر الاسلامی. مصر: دارالمعارف.
- عتیق، عبدالعزیز. 2001م. فی الادب الاسلامی و الموی. بیروت (لبنان): دارالنهضه العربیه.
- الکیلانی، نجیب. 1985م. رحلیه مع الادب اسلامی. بیروت: موسسه الرساله.
- الفاخوری، حنا. 1368ه. تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالحمید آتی. تهران: توس، چاپ دوم.
- فاعور، علی. 1417ه/1997م. شرح دیوان کعب بن زهیر. بیروت (لبنان): دارالکتب العلمیه.
- فروخ، عمر. 1969م. تاریخ الادب العربی. بیروت: دارالعلم للملایین.
- القط، عبدالقادر. 1987م. فی الشعر الاسلامی. بیروت (لبنان): دارالنهضه.
- معروف، نایف. 1993م. الادب اسلامی فی عهد النبوه و خلافه الراشدين. بیروت (لبنان): دارالنفائس.
- هداره، محمد مصطفی. 1995م. الشعر فی صدرالسلام والعصر الاموی، بیروت: دارالنهضه العربیه.